

## نقش ارتش در استراتژی توسعه

استاد راهنما: سر تیب ۲ دکتر محمد عباسلو

استاد مشاور: دکتر پرویان

دانشجو: حسین یاسینی

دانشکده مدیریت استراتژیک

سال دفاع: ۱۳۷۵

### بیان مسأله

توسعه فرایندی جامع، چند بعدی و مستمر دیده شده و بدین لحاظ هر حرکت و پویایی بدین قصد، فارغ از این جنبه های اساسی، نمی تواند به چنین هدفی نایل گردد. آیا می توان ادعا کرد که ارتش به دلیل اثرات عمیق و گسترده آن در کلیه بنیان های جامعه، مهمترین و حساسترین جنبه این تحول را تشکیل می دهد؟ ارتش سرو کارش با انسان ها است با حفظ دستاوردها است یعنی جنبه های بسیار حساس و مهمی که توسعه خواه ناخواه برای حرکت مستمر و پایدار به آنها متکی و وابسته است. اشتباه بزرگی خواهد بود، اگر نقش ارتش، تنها به تربیت نیروی انسانی مورد نیاز برای بخش های تأمین امنیت محدود گردد. گرچه این خود هدف اساسی و بنیادی و از وظایف مسلم ارتش متناسب با توسعه است. تأثیرات غیر مستقیمی که ارتش در حیات اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و سیاسی یک جامعه ایجاد می کند، نباید در برنامه ریزی های توسعه نادیده انگاشته شود.

بحث بر سر این که ارتش تا چه حد در تحقق رسالت های خویش در توسعه موفق یا ناتوان بوده و علل این موفقیت یا عدم توفیق چه بوده است، پیش از مشخص ساختن رسالت های ارتش در هر جامعه بیهوده است و از آنجائی که امروزه میزان حقانیت و

درستی موجودیت هر نهادی با درجه هماهنگی و نقش آن در روند دست یابی به توسعه و درنگری شاید بالاتر در حرکت رو به تکامل از وضع موجود به وضع مطلوب سنجیده می شود. از این روی دور از واقع نخواهد بود که رسالت های تعیین شده برای این نهاد اساسی جامعه نیز با عنایت خاص به همین اصل مورد بررسی قرار گیرد.

### جامعه آماری

جامعه آماری این پژوهش زمینه های مختلف اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی و سیاسی کشور در فاصله زمانی ۱۳۵۰ تا ۱۳۷۰ به همراه محیط داخلی تعدادی دیگر از کشورهای درحال توسعه جهان سوم است. از آنجا که هدف از این پژوهش، تعیین روند و یا میزان صعودی و یا نزولی بودن عواملی از رشد اقتصادی، سیاسی، فرهنگی کشور جمهوری اسلامی ایران است و حساسیت مورد نظر پژوهش نیز علی الخصوص در فاصله جنگ تحمیلی می باشد. لذا جامعه نمونه این پژوهش ۸ سال دفاع مقدس در نظر گرفته شده است.

### یافته های پژوهش

- در نظام نوین بین الملل حاکم بر دنیای امروز، برای کشورهای درحال توسعه جهان سوم اولویت دفاعی و امنیتی در تقدم جلوتر نسبت به سایر برنامه ها قرار داشته است و لذا امنیت که فضای لازم را برای برنامه های بلند مدت مورد نیاز توسعه فراهم می کند بر روند توسعه تأثیر می گذارد.
- با توجه به یافته های پژوهش، ارتش عامل بروز جنگ نیست بلکه ارتش مأموریت برقراری و حفظ صلح را بر عهده دارد.
- رشد و توسعه اقتصادی هم عامل حفظ و دوام صلح و امنیت هستند و هم عامل از بین بردن توازن و تعادل بین کشورهای منطقه می باشد.
- چون حیات هر کشور به میزان قدرتش در عرصه بین الملل بستگی دارد و از سوی دیگر حیات کشورها پیوسته در معرض تهدیدات داخلی و خارجی قرار دارد و همچنین به لحاظ پیچیدگی خاص عصر حاضر، شناخت این تهدیدات به سادگی امکان پذیر نمی باشد. یک راه مناسب می تواند تقویت نهادهایی باشد که امنیت و توسعه و صلح را تولید می کند. یعنی نوعی بازدارندگی که از ترکیب مؤلفه های فوق به دست می آید.
- امنیت کشور حاصل فعالیت های هماهنگ عناصر مختلف و متعدد سیستم اداره کننده جامعه است که ارتش (عملکرد آن) به عنوان اصلی ترین عنصر آن سیستم در فرآیند تولید امنیت و استقرار صلح زمینه را برای رشد و توسعه کشور فراهم می کند. سایر ارگان ها

و عناصر اداره کننده، سیستم جامعه با افزایش درصد رشد و توسعه (اقتصادی، سیاسی و فرهنگی، اجتماعی) به تداوم صلح کمک می کند با توجه به سیکل رفاه جامعه، چنین استنباط می شود که بدون توسعه هیچ آمیدی به تداوم امنیت، صلح، قدرت، دموکراسی و رفاه جامعه وجود نخواهد داشت و بدون امنیت نیز بحث توسعه مقصود نخواهد بود و توسعه پدید نمی آید.



ژرویشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی



پروشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی